

حادثه‌ها

خواسته زنی که دختر ناشوایش به قتل رسید

● **شرق:** مادر دختر کلولال که از قصاصی قاتل دخترش گذشت کرده بود، با این ادعا که به درخواست او به درستی رسیدگی نشده است، خواستار محاکمه مجدد متهم شد.
به گزارش خبرنگار ما، اوایل زمستان سال ۹۲ مردی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ کلستان در شهرستان بهارستان تماس گرفت و از کشته‌شدن همسرش در خانه‌شان خبر داد. در پی این تماس، کارآگاهان جایی پلیس آگاهی استان تهران به محل حادثه رفتند و متوجه شدند این زن که ناشوا بوده، در یکی از اتاق‌های خانه به قتل رسیده و طلاها و گوشی تلفن همراهش سرقت شده است. با گزارش موضوع به بازپرس کشیک ویژه قتل و هماهنگی قضائی، جسد به پزشکی‌قانونی منتقل شد.

با تشکیل پرونده، شوهر این زن به‌عنوان تنها مظنون پرونده به پلیس آگاهی احضار و در تحقیق از او معلوم شد روز حادثه همسرش در خانه تنها بوده و خود او هنگام عصر از محل کار به خانه‌اش بازگشته و متوجه مرگ او و سرقت اموال وی شده است.

در ادامه تحقیقات معلوم شد شوهر این زن در مرگ او نقششی ندارد، به همین دلیل هم مأموران زندگی خصوصی این زن را مورد تحقیق قرار دادند و متوجه شدند او با فردی غریبه در ارتباط بوده است. با پیداشدن ردپای مرد غریبه در زندگی زن جوان تحقیقات بیشتری انجام شد و شاهدانی پیدا شدند که گفتند مرد غریبه را اطراف خانه مقتول دیدهند.

کارآگاهان جنبانی با تحقیق در این ارتباط هویت این مرد را که تنها مظنون پرونده بود، شناسایی و پس از جست‌وجوی گسترده او را در خانه‌اش در رباطکریم دستگیر کردند.

متهم با انتقال به پلیس آگاهی، در بازجویی‌ها به قتل زن جوان و سرقت اموالش اعتراف، اما درباره انگیزه‌اش از جنایت سکوت کرد. این سکوت البته چندان دوامی نداشت و در نهایت متهم لب به اعتراف گشود و گفت: من مقتول را از قبل می‌شناختم و با هم رابطه داشتم، اما دلیل اینکه رابطه داشتیم این بود که من خیلی احساس تنهایی می‌کردم و وضع مالی بدی هم داشتم. بعد از اینکه متوجه شدم این زن طلا و پول دارد، از او خواستم به من قرض بدهد. او گفت باید به خانه‌اش بروم. من معمولا ساعتی او را می‌دیدم که کسی در خانه نبود و فکر هم نمی‌کردم که شوهر دارد. بعد از اینکه به خانه‌اش رفتم متوجه شدم که شوهر دارد. با هم جروبحث کردیم، من در یک لحظه او را خفه کردم و بعد هم طلاها و پول‌های او را برداشتم و فرار کردم.

بعد از گفته‌های این مرد و سایر مدارک موجود در پرونده، کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. بعد از خواندن کیفرخواست، اولیای‌دم در جایگاه قرار گرفتند و گفتند که گذشت می‌کنند و دیه می‌خواهند، سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: من اتهام را قبول دارم و به‌خاطر پولی که نیاز داشتم این کار را کردم.

با توجه به گذشت اولیای‌دم از قصاص، رأی بر پرداخت دیه و حبس برای متهم صادر شد، اما این رأی مورد اعتراض مادر مقتول قرار گرفت و او مدعی شد که دادگاه همه حرف‌های او را نشنیده است، دیوان‌عالی کشور اعتراض او را قبول کرد و از دادگاه خواست خواسته مادر مقتول را به طور دقیق گوش کند. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده برگزار شد.

مادر مقتول در جایگاه قرار گرفت و گفت: من در دادگاه گفتم که از قصاص گذشت می‌کنم، اما از من پرسیده نشد چه می‌خواهم. من و شوهرم با قاتل توافق کرده بودیم که به ما ۴۰۰ میلیون تومان بدهد و رضایت بدهیم، حتی من به وکلی قاتل و شوهرم گفتم که بهتر است پول را بگیریم و بعد رضایت بدهیم که آنها گفتند لازم نیست و متهم قبول می‌کند که این پول را بدهد، اما در دادگاه ثبت نشد. در این هنگام رئیس دادگاه گفت: در جلسه رسیدگی من شخصا به شما گفتم که می‌توانید سه تصمیم بگیرید: قصاص کنید، بدون قیدوشرط گذشت کنید یا اینکه درخواست دیه داشته باشید، شما هم گفتید که درخواست دیه دارید. من پرسیدم فقط مبلغ دیه را می‌خواهید، شما هم تأیید کردید. عین این مکالمه ضبط و البته صورت‌جلسه شده و شما هم آن را امضا کرده‌اید. سه روز بعد به دادگاه مراجعه کرده و گفتید که همسایه‌ها به شما گفته‌اند می‌توانید بیشتر از دیه قانونی دریافت کنید و حالا تصمیم دارید بیشتر از دیه قانونی می‌متهم بخواهید. من به شما گفتم این‌ا کار امکان‌پذیر و اسناد قابل استرداد نیست، اما شما گفتید که اشتباه کرده‌اید. این موضوع به دیوان فته شد، اما دیوان اعلام کرد که باید دوباره به صحبت شما رسیدگی شود. درحالی‌که شما این موضوع را می‌دانستید. مادر مقتول این موضوع را رد کرد و گفت: من بیرون دادگاه با متهم توافق کرده بودم و درباره این موضوع در دادگاه از من سؤال نشد.

سپس متهم گفت: من دیه قانونی‌را توافق کردم و پرداخت می‌کنم. با پایان جلسه دادگاه، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

شرق: اعضای باندی که سارقی مسلح را از بیمارستان امام‌خمینی(ره) فراری داده بودند، سرانجام بعد از تحقیقات گسترده پلیسی دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار ما، متهم اصلی که سعید نام دارد، چندی قبل به همراه همدستان خود برای سرقت وارد خانه‌ای در تهران شده بودند که مأموران از راه رسیدند. متهمان که قصد فرار داشتند با پلیس درگیر شدند که یکی از آنها از ناحیه پا و شکم هدف گلوله قرار گرفت و دستگیر شد. سعید بعد از بهبودی نسبی به زندان منتقل شد، اما در زندان ابراز ناراحتی کرد و مسئولان زندان با انتقال او به بیمارستان امام خمینی(ره) موافقت کردند.

سعید حدود ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه، نهم آبان، به بیمارستان منتقل شد، اما از آنجا افرادی که صورت خود را پوشانده بودند و سلاح در دست داشتند با تهدید مأمور نگهبان و گرفتن سلاح او و شلیک تیر هوایی سعید را فراری دادند. بعد از آن بود که تحقیقات درباره این باند آغاز و معلوم شد سعید و دو برادرش از خلافکاران سابقه‌دار هستند و دو برادر او همراه دیگر دوستانشان این نقشه فرار را طراحی کرده‌اند. همچنین معلوم شد اعضای این باند از ابتدای امسال سرقت‌های خود را شروع کرده

و در شمال تهران و استان‌های اصفهان و البرز به ۳۰۰ خانه دستبرد زده‌اند. همچنین معلوم شد اعضای این گروه در تمام دزدی‌های خود سلاح همراه داشتند، اما از استفاده نمی‌کردند. کارآگاهان در مدت ۴۸ ساعت توانستند هویت همدستان سعید را شناسایی کنند و معلوم شد آنها به شهرهای مختلف کشور گریخته‌اند. تحقیقات درباره متهمان ادامه داشت تا اینکه ۲۰ روز قبل یکی از آنها



به دام افتاد. در ادامه معلوم شد سایر اعضای این گروه قرار است روز پنجشنبه در ویلایی در ساوجبلاغ دور هم جمع شوند. مأموران که اطلاعات کاملی از این باند داشتند و حتی کلید ویلا را هم به دست آورده بودند، ساعت سه بعداز روز ۱۲ بهمن وارد ویلای موردنظر شدند و متهمان را دستگیر کردند. سردار حسن رحیمی، رئیس پلیس پایتخت دراین‌باره گفت: درمجموع شش مرد و پنج زن

گفت‌وگو با متهمان

این متهمان در گفت‌وگویی کوتاه با خبرنگار ما درباره جرائمی که انجام داده بودند، توضیحاتی دادند. سعید که از بیمارستان فراری داده شده و سپس در یک خانه مورد جراحی قرار گرفته بود تا درمان شود، بعد از بهبودی بار دیگر روانه زندان شده است. او خودش را ۳۲ ساله و سابقه‌دار معرفی کرد.

● **سوابقت چه بود؟**
درگیری و مواد مخدر. از سال ۸۴ جرائمم را شروع کردم و ۲۲ سالم بود که برای اولین‌بار به زندان رفتم. به‌دلیل درگیری به زندان افتادم.

● **درگیری به خاطر چه بود؟**
سر زمین بود. ● **بچه شروری بودی؟**
شر پیش می‌آمد.

● **از چه زمانی به تهران آمدی؟**
زیاد نبود. ● **آخرین بار چه زمانی از زندان آزاد شدی؟**
هشت یا ۹ ماه پیش بود. در این مدت یکی، دو بار به تهران آمدم و بقیه‌اش را شهرستان بودم.

متوجه شدم این زن طلا و پول دارد، از او خواستم به من قرض بدهد. او گفت باید به خانه‌اش بروم. من معمولا ساعتی او را می‌دیدم که کسی در خانه نبود و فکر هم نمی‌کردم که شوهر دارد. بعد از اینکه به خانه‌اش رفتم متوجه شدم که شوهر دارد. با هم جروبحث کردیم، من در یک لحظه او را خفه کردم و بعد هم طلاها و پول‌های او را برداشتم و فرار کردم.

● **بعد برای سرقت به خانه‌ای در خیابان آزادی رفتی که با مأموران درگیر شدی.**

ما در خانه بودیم که مأموران آمدند و من موقع فرار تیر خوردم.

● **بعد به زندان افتادی، نقشه فرار را چطور طراحی کردی؟**

من به برادرم تلفن زدم و گفتم فرارایم بدهد. به او گفتم می‌خواهند من را به بیمارستان ببرند. آنها خودشان بقیه کارها را انجام دادند.

● **از چند روز قبل به فکر فرار افتادی؟**

چند بار من را به بیمارستان بردند؛ اما فایده‌ای نداشت و دکتر نبود. می‌خواستند من را بعد از دو ماه عمل کنند. بعد از آن بود که موضوع را به برادرم گفتم. من یک روز قبل از فرار به برادرم زنگ زدم و گفتم فردا من را به بیمارستان می‌برند.

● **در بیمارستان منتظرشان بودی؟**
هم بودم و هم نبودم. گفتم شاید نمانند.

● **بعد از فرار چه کار کردی؟**

به باغی رفتیم و در آنجا دستم را با کلید باز کردم.

● **اگر فرار نمی‌کردی، قرار بود پنج روز بعد با فرار وثیقه آزاد شوی.**

نه، آزاد نمی‌شدم؛ چون در شهرستان هم پرونده داشتم.

● **اگر به عقب برگردیم، دوباره این مسیر را برای زندگانی انتخاب می‌کنی؟**

معلوم نیست. این کارها مسیری بود که در آن افتاده بودیم؛ البته از شرایط راضی نیستم.

● **بعد از آزادی دوباره سرقت می‌کنی؟**
نه، دنبال کار می‌روم. کار زیاد است.

● **چرا از اول دنبال کار رفتی؟**
دیگر در این مسیر افتاده بودیم.

● **اعتیاد داری؟**
نه.

● **تحصیلات چقدر است؟**
سیکل. درس نخواندم.

● **پدر و مادر در رفتارهای تو اعتراض نمی‌کردند؟**

اعتراض داشتند؛ ولی آنها بدبخت هستند. کاری نمی‌توانستند بکنند.

● **شگردت برای سرقت از خانه‌ها چه بود؟**

من زیاد سرقت نکردم. ۱۰ سال زندان بودم و بعد بیرون آمدم که تیر خوردم.

● **در اینستاگرام با اسلحه عکس می‌گذاشتی و می‌گفتی اگر جرئت دارید، من را بگیرید.**

این را در منطقه ما همه می‌گذازند. این پیج برای من

است؛ اما همیشه دست خودم نیست.

● **آن جمله‌ها را از کجا می‌آوردی؟**

از زیر عکس‌های دیگران کپی می‌کردم.

● **چند وقت بود این صفحه را داشتی؟**

من زندان بودم. نمی‌دانم چند وقت است صفحه هست.

● **یعنی در زندان صفحه اینستاگرام درست کرده بودی؟**

نه، در زندان که گوشی نداشتم. بیرون برایم درست کرده بودند. صفحه به اسم من بود. یکی برایم درست کرده بود.

● **در این مدت که بیرون آمده بودی، صفحه اینستاگرام دست خودت بود؟**

بعضی وقت‌ها نگاه می‌کردم.

● **چه کسی صفحه را برایت آپدیت می‌کرد؟**

آپدیت یعنی چه؟

● **همان که پست می‌گذاشت و به جای تو و برایت می‌نوشت.**

صفحه را یکی از بچه‌ها درست کرده بود؛ اما دست خودم بود.

● **چقدر فالوئر داشتی؟**

فالوئر کدام است؟

● **چند نفر دنبالت می‌کردند؟**

دقیق نمی‌دانم.

● **فکر نمی‌کردی به خاطر کارهایت دستگیر شوی؟**
می‌دانستم دستگیر می‌شوم.



در این عملیات دستگیر شدند. تمامی مردان دستگیرشده سابقه کیفری داشتند. اما زنان فاقد سابقه بودند و عمدتا اعضای این باند از زنان به‌عنوان طعمه استفاده می‌کردند. رحیمی با بیان اینکه در بازرسی از مخفیگاه این افراد سه دستگاه خودروی سواری و پنج قبضه کلت کمری و سلاح جنگی که یک قبضه آن متعلق به مأمور انتقال زندان بود، به همراه تعداد زیادی مهمات کشف و ضبط شد، تصریح کرد: در جریان این عملیات یکی از مجرمان که قصد درگیری با پلیس را داشت مصدوم شد. سردار رحیمی با بیان اینکه میانگین سنی متهمان دستگیرشده حدود ۳۰ سال است، ادامه داد: برخی از اعضای این باند به‌قدری وقیح بودند که در فضای مجازی برای پلیس و مسئولان نظام خط‌ونشان می‌کشیدند و می‌گفتند اگر می‌توانیم ما را دستگیر کنید که امروز دیدید چطور گرفتار قانون شدند. وی با بیان اینکه اعضای این گروه اقدامات جنایتکارانه فراوانی مرتکب شده‌اند، گفت: اعضای این باند چندین مورد درگیری با پلیس در شهرهای دیگر نیز داشتند و اغلب اقدامات آنها مسلحانه بوده که آخرین مورد آن کمتر از یک ماه پیش هنگام سرقت از دو منزل در خیابان میرداماد بود که با مأموران ما درگیر و متواری شدند.

رخداد

بازمانده حادثه هواییماي ارتش فرود در باند اشتباه را عامل سانحه مرگ‌بار دانست

● تنها بازمانده حادثه هواییماي ارتش مدعی است هوایما نقص فنی نداشته است و تصور کرده‌اند در فرودگاه پیام به زمین نشسته‌اند اما قبل از توقف کامل هوایما، متوجه شدند باند فرودگاه به اتمام رسیده است، به گزارش تسنیم، فرح‌الله افشار رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح استان البرز در تشریح آخرین وضعیت رسیدگی به پرونده سانحه سقوط هواییماي ۷۰۷ ارتش گفت: در ادامه رسیدگی به پرونده سقوط هواییماي ۷۰۷ نهاجا، از مسئولان برج مراقبت فرودگاه‌های پیام و فتح تحقیق به عمل آمده و مکالمات رادیویی برج‌های مراقبت فرودگاه‌های پیام، فتح و واحد تقرب فرودگاه مهرآباد درخواست شده است. وی اظهار کرد: بازدید و تحقیق از واحد تقرب فرودگاه مهرآباد نیز در دستور کار مقام قضائی قرار دارد و اوایی دم جان‌باختگان سانحه نیز به دادرسی نظامی دعوت شدند. این مقام قضائی درباره اظهارات مسئولان فرودگاه پیام درخصوص عدم ارتباط رادیویی خلبان همچنین رئیس کمیسیون عمران مجلس درباره اشتباه خلبان در تشخیص دو فرودگاه گفت: تکمیل تحقیقات و رفع ابهامات موجود نیاز به بررسی اطلاعات جعبه همچنین مکالمات رادیویی توسط مقام قضائی دارد که دستور لازم در این زمینه صادر شده است؛ بنابراین مسئولان ذی‌ربط در فرودگاه پیام و نمایندگان مجلس منظر اعلام نظر مرجع قضائی درباره علت این حادثه بمانند تا شائبه‌ای به وجود نیاید. افشار در همین ارتباط به اظهارات تنها بازمانده این حادثه اشاره و تصریح کرد: بنا بر ادعای وی، هوایما نقص فنی نداشته و پس از هماهنگی و تماس رادیویی به گمان اینکه در باند فرودگاه پیام به زمین نشسته‌اند، فرود آمده‌اند و قبل از توقف کامل هوایما متوجه می‌شوند که باند به اتمام رسیده است بنابراین ابهاماتی وجود دارد که در جریان تحقیقات خواهد گرفت که به محض اعلام کار شناسان، بعد از جمع‌بندی تحقیقات، علت این سانحه مشخص خواهد شد. افشار خاطرنشان کرد: مالکان دو واحد مسکونی آسیب‌دیده در این سانحه شناسایی و در دادرسا حاضر شده‌اند و بنا بر نظر کارشناسان میزان خسارت وارده به این دو واحد، بالغ بر یک میلیارد تومان برآورد شده است.

سلفی

جان جوان رفسنجانی را گرفت

● رئیس دادگاه عمومی بخش کشکوبیه رفسنجان درباره آخرین وضعیت پرونده مرگ جوان رفسنجانی بر اثر برخورد با قطار گفت: دراین‌باره پرونده قضائی تشکیل شده است و در صورتی که تخلفی صورت گرفته باشد، با عاملان حادثه برخورد قاطع قضائی خواهد شد. «اویس ریاحی» با اعلام این خبر اظهار کرد: موضوع برای تعیین میزان درصد تقصیر طرفین به هیئت تخلفات راهان ارسال شده است و تحقیقات تکمیلی ادامه دارد. وی در تشریح این حادثه گفت: ساعت ۱۶:۵۰ جمعه پنج جوان رفسنجانی برای تفریح و گرفتن عکس سلفی روی ریل قطار احمدآباد بخش کشکوبیه می‌روند که پس از نزدیک‌شدن قطار، لکوموتیوران با بوق‌های متعدد و علامت‌های هشدار آنان را مطلع می‌کند. این مقام قضائی گفت: با هشدارها و علامت‌های لکوموتیوران چهار نفر از روی ریل کنار می‌روند اما متأسفانه یک جوان ۲۸ساله که روی دوربین خود متمرکز بود، لحظه آخر متوجه نزدیک‌شدن قطار می‌شود و هنگام فرار لباس وی به قطار گیر می‌کند روی ریل می‌افتد و جان خود را از دست می‌دهد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای ۱۳۹۷۶۰۳۰۱۰۴۱۰۰۱۴۴۳
موضوع ۹۷/۹/۲۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک فشم مالکانه بالامعارض خانم نسرین سادات میرمحمد میگونی به شماره شناسنامه ۴۲ دارای کدملی ۰۴۵۳۲۰۶۲۰۴ فرزند سید مهدی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشجر (باقیمانده پلاک) به مساحت ۱۵۰/۹۲ متر مربع مفروز از پلاک ۵۸۴ فرعی از سنگ ۲۰ اصلی واقع در میگون رودبار قصران بخش ۱۱ تهرن مستند به مبایعه نامه عادی مورخ ۸۰/۴/۱۹ و صلحنامه عادی بدون تاریخ خریداری مع الواسطه از آقایان موسی و احمد و محمود شهرت همگی فرهاد معتمد محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند ، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .

م الف ۲۰۲۱۷ اداره ثبت اسناد و املاک فشم (تهران)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۱۷۶۵
مورخ ۹۷/۱۰/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمیدرضا داراب منش فرزند محمد رضا بشماره شناسنامه ۱۴۵۰۲ صادره از تهران در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۱۰۲/۸۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۶۰۶۱ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۲۹فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی افسر بخشی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۹۷/۱۰/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۱۱/۱۴

م الف ۲۰۲۱۶ اداره ثبت اسناد و املاک یافت آباد (تهران)